

حاکمیت حق مردم است مردم سالاری

سه‌شنبه ۳۱ خرداد ۱۴۰۱ - ۲۱ ذی‌القعدة ۱۴۴۳ - ۲۱ ژوئن ۲۰۲۲ - سال بیست و یکم - شماره ۵۴۲- ۱۲ صفحه - ۷۰۰۰ تومان



سوءاستفاده بی‌تخصص‌ها از سخن چمران درباره تقوا و تخصص

یادداشت

علی شریعتی و بحران‌های بزرگ معیشتی امروز

آدمیان، در پیش گرفتن سراسری سیاست اقتصادی دفاع از جامعه و حمایت و پوشش و تامین اجتماعی، و به ویژه فریادرسی و دادرسی و همبستگی نسبت به اقشار آسیب‌پذیر را به یک

ضرورت حیاتی برای ادامه بقا مبدل ساخته است. برون‌رفت از بحران حاضر بدون شناسایی حقی نظارت و مشارکت همه شهروندان در تولید ملی و سیاست‌گذاری‌های کلان و تغییر سبک مدیریت اقتصاد سیاسی متصور نیست. در عصر جدید عبارترست از توان پاسخگویی به ضرورت وجودی و مشروعیت اقلی نهاد دولت ابتدایی‌ترین پیش‌نیازهایی چون تامین کالاها و خدمات عمومی (اعم از امنیت، بهداشت، آموزش، زیرساخت‌های صنعتی حمل‌ونقل و...)، نظارت بر پیامدهای ناشی از کشش‌های اقتصادی بی‌رویه و سوداگرانه که می‌تواند به تخریب محیط و همزیستی شهروندان بینجامد، و بویژه تعدیل نابرابری‌های موجود که محصول شرایط تاریخی، سوءمدیریت‌ها و منافع مافیاهای اقتصادی است؛ و نه سیاست خصوصی‌سازی، رشد اختاپوسی نهادهای مالی (بانک‌ها، مؤسسه‌های مالی و اعتباری، و بورس، جهت تصاحب مازاد ارزش و سودهای تولیدشده در اقتصاد، انحصار و اعطای امتیازات ویژه به اشخاص حقیقی و حقوقی و تشویق جریان نوکیسه‌گی رانتی در حاشیه قدرت، تسلط تجارت نامولد دلالی بر سایر بخش‌ها که تا کنون نتیجه‌ای جز افزایش میزان بیکاری، گسترش فقر و تشدید استثمار و گسترش حاشیه‌نشینان و بیکاران، نداشته است.

همبستگی و اتحاد نیروها و جهان کار و آموزش (کارگران، کارمندان، معلمان...)، هدایت جنبش مطالباتی و اعتراضی مدنی از سوی اقشار محروم و محذوف (حاشیه‌نشینان شهری، بیکاران، زنان و...)، بر محور خواست‌های مشروع و مشخص علمی و عملی پیش‌شرط توفیق و پیش‌برد خطمشی اصلاحگری ساختاری است. خطمشی آگاهی‌رھائی بخش در چشم‌انداز و کلام نوشریعتی اراده‌ی چنین تغییر و تحول‌خواهی اساسی معطوف به آینده‌ای روشن و بهتر از دیروز و امروز است و نه واپسگرایی و برگشت به گذشته‌های موهوم.

خوش‌بینی پریروز معلم مردم شریعتی معطوف به همین آینده و فردای از راه‌رسنده بود.

منبع: خبر آنلاین

(الهیاتی) و فلسفی (هستی‌شناختی) رهایی‌بخشی یا تحقق آزادی و عدالت را بی ریزد؛ پس راه‌حل او در حین محلی بودن (لوکال) جهان‌روا (گلوبال) بود.

نمود شاخص بحران اقتصادی کنونی جامعه ما که محصول طرح‌های توسعه و رشد ناموزون و بی‌رویه طی دهه‌ها و سده گذشته است، نشانه‌ای از چهل ساختاری نسبت به مقتضیات بوم‌زیستی، میراث فرهنگی تاریخی، و فقدان بینش و منش و مشارکت ملی-مردمی و دموکراتیک در دو بُعد اجتماعی و سیاسی، سیاست‌گذاران مسئولان و مدیران فن‌سالار و دیوان‌سالار، در کشور و در منطقه ماست. منطقه و مهنی غنی و سرشار از منابع متنوع طبیعی و نیروهای جوان انسانی که می‌توانست و می‌بایست با طرح‌افکنی علمی و مدیریتی اصولی و اعتماد و مشارکتی مردمی، برغم همه تهدیدها و تحریم‌ها، به شکوفاترین اقتصادها تبدیل شود. تفرق قومی-مذهبی مصنوعی اما که توسط قدرت‌های دنیفغ در منطقه دامن زده می‌شود و فقدان بینشی منطقه‌ای و ملی که به همسویی و همکاری ملت‌های ساکن منطقه خاورمیانه و دفاع از مصالح مشترک و بهره‌وری بهینه از منابع و سرمایه‌های ملی و منطقه‌ای بینجامد، در و خامت‌بخشی به این بحران مؤثر بوده است.

راه نجات و رستگاری از چنین بحران‌های تودرتو-که بتدریج به فروپاشی همه‌جانبه اجتماعی و سیاسی، و بویژه ارزشی و اخلاقی می‌انجامد، و نمودش را در گسترش فساد در میان دست‌اندارکاران و کارگزارن نظام و حاکمیت مشاهده می‌کنیم، بازبینی در گفتمان‌های مسلط و گرایشات راست‌گرایانه گذشته است، اعم از محافظه‌کار افراطی یا مصلحت‌گرای اعتدالی، عامه‌گرای پوپولیستی یا نخبه‌گرای نولیبرال، و بازگشت به گفتمان صدر و آستانه انقلاب، در تداوم و استمرار انقلاب مشروطه و نهضت ملی، یعنی در همان افقی براه افتاد که روشنفکران ملی مردمی و مصلح مذهبی برای آینده ترسیم می‌کردند: طراحی توسعه‌ای عدالت‌طلبانه و آزادخواهانه با پشتوانه و تبار فرهنگی تاریخی، و نوزایی و نوسازی، احیاء و اصلاح، عقیدتی و معنوی در حوزه دینی.

شرایط بحرانی همه‌گیری ویروس تاج‌دار و فوریت یافتن فاصله‌گیری و اجتماع اجتماع‌ناپذیر

در شرایط بحران حاد زیستی و معیشتی‌ای که جامعه ما در جهان معاصر با آن مواجه شده است، بهترین برگذاشت را در تداوم اندیشه و پویش راه او می‌یابیم و در بازگویی و بیان به‌روز آن چشم‌انداز نظری و برون‌داد و بدیل عملی آن، و می‌دانیم که این بحران اقتصادی-اجتماعی ربط و نسبت وثیقی با بحران انسداد سیاسی و امتناع عقیدتی دارد که جملگی مجموعه دالان تودرتویی را در مقابل ما قرار داده است، به‌گونه‌ای که نخست باید بتوانیم سرخ این کلاف سردرگم را بیابیم.

شریعتی به ما می‌موخت که این سرخ یا علت همه علت‌ها و مصیبت‌ها، اعم از استثمار و استبداد گرفته تا استثمار و توسعه‌نیافتگی، «استعمار» است، نوعی ازخودبیگانگی و سلطه‌پذیری و بندگی خودخواسته ناشی از فریب و تحمیق و تزویر که از سویی به شکل کهن دینی در جوامع سنتی بروز می‌کند (نجات اسلام از زندان ارتجاع)، و از دیگر سو، به‌شکل مُدرن ایدئولوژیک در جوامع صنعتی خود را نشان می‌دهد. در ارزیابی او شرایط امکان این «تزویر»

را زر و زور در تاریخ و در جامعه فراهم می‌آورند و بدون توجه به منافع انضمامی اقتصادی و اغراض اقتدار سیاسی نمی‌توان تنها با اتخاذ خط منشی آگاهی‌بخشی انتزاعی با تزویر مقابله کرد. زیرا در دعوت او از سویی خاطر‌نشان می‌کرد که، «.. به انسانی که گرسنه است از معنویت سخن گفتن و از کمال ارزش‌های اخلاقی‌ی دم زدن، فریب و فاجعه است...» (م.آ.۲)، «نسان بی‌خود»، «ارزوها»، تهران: قلم، چ ۶، ۱۳۸۴ص۲۵۹) و از دیگرسو، فریاد برمی‌آورد که «فرار، فرار، برای بازیافتن آنچه از عدالت عزیزتر است و آنچه از سیری والاتر، آزاد بودن...» (همانجا، ص ۳۶۰) برای نجات خدا، اخلاق و معنویت، از قبرستان واپس‌گرایی یا ارتجاع دینی، چنان‌که برای نجات انسان از انواع استثمار ایدئولوژیک مدرن، او بدیل نوعی «عرفان»(شناخت) را پیش می‌نهاد، بسا تعریفی جدید خاص در قاموس او، یعنی در نسبتی وثیق با «عقلانیت انتقادی» اجتماعی که در برابر «سلطه» استبداد و استثمار، پایه کلامی



احسان شریعتی

سر مقاله	
 	
زمستان سخت در راه است	
گرفتند و هر کدام در بخشی از دولت مسئولیتی را پذیرفته اند. حال سوال اینجاست این آقایان که هر قواره یک مسئول تراز انقلاب انتخاب نشدند و از شعارهای آقای رئیسی خیلی فاصله داشتند. اینکه وزرا از کانون‌های قدرت و جریان‌های سیاسی حامی ایشان به دولت تحمیل شدند یا انتخاب تیم فکری خود ایشان بوده باشد در اصل ماجرا فرقی نمی‌کند. دلسوزان و منتقدان همانروزها با توجه به شرایط حساس کشور و مشکل اصلی مردم یعنی معیشت هشدارهای لازم را دادند ولی متأسفانه حمایت بی چون و چرای مجلس و اینکه به وزرای وزارتخانه‌های حساسی که بدون برنامه مشخص به کارزار رأی اعتماد وارد شدند چشم بسته اعتماد کردند و کشور را دچار چالش مضاعف کردند. امروز می‌بینیم پس از گذشت تقریباً ۳۰۰ روز در پی ناکارآمدی‌های پیاپی و ایجاد بخشی از شرایط موجود که ناشی از تصمیم‌های اشتباه مستقیم وزیر محترم کار و تیم مورد حمایت بود وی مجبور به استعفا می‌شوند و حتی عمر وزارتشان به یکسال هم نمی‌کشد. در چند وزارتخانه مهم دیگر اوضاع بهتر از این نیست،و نیاز به یک خانه تکلیی اساسی احساس می‌شود. سران قوا و دولت بعنوان بازوی اجرایی کشور باید این نکته را درک کنند که مردم تاب و توان آزمون و خطای آقایان در مسندهای مهم را ندارند. شرایط اقتصادی کشور و تورم افسار گسیخته در بخش‌های مختلف حاصل همین بی‌تدبیری و انتخاب‌ها و تصمیم‌های نادرست است. تقریباً اکثر کاندیداهای همسو در جریان انتخابات، بعد از انتخابات پست‌های خوبی	

یادداشت	
 	
استعفاى وزیر، تیغ دولبه برای دولت و مجلس	
این وزیر مستعفی از خود و برنامه‌هایش دفاع کند؟ آیا با فرد بعدی برنامه‌های او به هم می‌ریزد و او کارها را از نو شروع می‌کند؟ و اگر این باشد نقض غرض است. آیا معرفی وزرای دیگر یا احیاناً بعدی هم چنین خواهد بود؟ در حال ابهاماتی وجود دارد و به نظر می‌رسد ناگفته‌هایی در این باره هست که با توجه به شعار شفافیت در امور لازم است پشت پرده‌ها روشن شود. ضایع شدن یا ضایع کردن فردی و شخصی او را هم نباید نادیده گرفت. من برنامه‌های میدان و سخنان او را می‌شنیدم و او را فردی دلسوز می‌یافتم. به نظر می‌رسد که این استعفا کار نادرستی بود که هنوز یکسال از خدمت وزیری نگذشته، بدون توضیح او کنار برود؟ بنابراین دولت یا نباید او را پیشنهاد و مجلس نباید او را انتخاب می‌کرد یا باید از او حمایت می‌شد. در هر حال پیشنهاد این است که اگر قرار است در سالگرد شروع کار دولت تغییراتی صورت گیرد با دقت و درایت افرادی را انتخاب کنند تا بتوانند تا پایان این دولت بمانند والا کارها ضربه می‌خورد و زمان به سرعت سپری می‌شود. مجلس و دولت باید در این امر بدون ردرباییستی مصالح کلان و دراز مدت کشور را مد نظر قرار دهند و سریعاً تصمیم‌گیرند.	
منبع:خبر آنلاین	

خبر استعفاى وزیر تعاون، کار و امور اجتماعى (تکرا)، ناگهانی بود و همه را در برابر عمل انجام شده قرار داد. این قبیل کارها البته در دولت‌های گذشته سابقه دارد. دولت احمدی‌نژاد مستبدانه وزیر خارجه‌اش را در حین مأموریت خارجی عزل کرد و حتی اجازه نداد تا به وطن برگردد و سپس او را بر کنار کند. تازه بعدش هم توضیحی در این باره نداد. در دولت روحانی هم چنین اتفاقی افتاد هنگامی که اختلاس بانک سرمایه در جریان بود ناگهان وزیر آموزش و پرورش استعفا داد. در همین دولت در مورد معرفی وزیر آموزش و پرورش هم خطاهایی صورت گرفت و افراد ضعیفی برای این وزارتخانه مهم معرفی شد که در دولت‌های گذشته هم سابقه داشته است. دو وزارتخانه مهم یکی آموزش و پرورش و یکی وزارت کار است که یکی در آموزش و دیگری در کار و اشتغال و سرمایه‌نقش آفرین اند و نباید افراد ناکارآمد آنها را اداره کنند.

تیغ دو لبه از این جهت که بعضی‌ها این استعفا و پذیرش استعفا را امری مثبت، و آن را نشان از بی

سقوط تاریخی
مکرون

دیگر هیچ بالگردی
به دلیل نبود قطعه زمین گیر نمی شود

صفحه ۲